

دوست

خردسالان

سال ششم

شماره ۳۲۴ ، شنبه

۳ اسفند ماه ۱۳۸۷

۴۰۰ تومان



۱۶



کاش

۱۸



قایم باشک

۲۰



قصه‌ی حیوانات

۲۲



بازی

۲۴



کاردستی

۲۵



فرم اشتراک

۲۷



ترانه‌های هیچا هیچ

۳



با من بیا ...

۴



هر کاری وقتی دارد

۷



نقاشی

۸



فرشته‌ها

۱۰



گنجشک

۱۱



جدول

۱۲



ضرب المثل!

پدر و مادر عزیز، مربی گرامی



این مجموعه ویژه‌ی خردسالان طراحی شده است. علاوه بر جنبه‌های آموزشی، تفریحی و سرگرمی، افزایش مهارت‌های عملی خردسالان از اهداف اصلی آن است. بریدن، جدا کردن، رنگ آمیزی، حتی خط خطی کردن و هر گونه فعالیت پیش‌بینی نشده از طرف کودک، می‌تواند به ایجاد ارتباط، اعتماد به نفس، شادی و رشد خلاقیت او کمک کند. او را در شیوه استفاده از مجله آزاد بگذاریم. تنها به عنوان پیشنهاد و راهنمایی در بعضی از صفحات مجله توضیحات کوتاهی درج شده است.

● مدیر مسئول: مهدی ارگانی

● سردبیران: افشین اعلاء، مرجان کشاورزی آزاد

● تصویرگر: محمدحسین صلواتیان

● گرافیک و صفحه‌آرایی: مجتبی صلواتیان

● لیتوگرافی و چاپ: مؤسسه چاپ و نشر عروج

● امور مشترکین: محمدرضا ملازاده

● نشانی: تهران- خیابان انقلاب، چهار راه کالج، شماره ۹۶۲، نشر عروج

● تلفن: ۶۶۷۰۱۲۹۷ و ۶۶۷۰۶۸۳۳ نمابر: ۶۶۷۱۲۲۱۱

بامن بیا...

دوست من سلام.

من آدم برفی هستم. یک روز سرد و برفی، بچه‌ها مرا درست کردند. آن‌ها می‌خندیدند و بازی می‌کردند و برای درست کردن من، با دست‌های کوچکشان برف جمع می‌کردند. حالا، بهار در راه است و من باید بروم. اما قبل از رفتن پیش تو آمده‌ام تا با هم مجله‌ی دوست خردسالان را ورق بزنیم. بازی کنیم و شعر و قصه بخوانیم. حالا تا آب نشده‌ام! دست مرا بگیر و با من بیا...

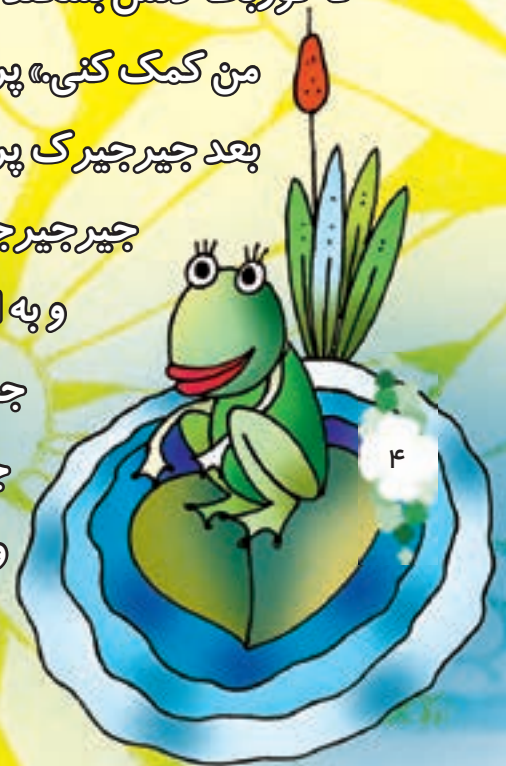


هر کاری وقتی داره



● مرجان کشاورزی آزاد

یک نفر باید به قورباغه می گفت که آواز خواندن هم وقت دارد نباید هر موقع که دلش خواست قورقور کند و سروصدا به راه بیندازد! اما هیچ کس دلش نمی آمد قورباغه را ناراحت کند. تا این که جیر جیر ک گفت: «من می توانم این را به قورباغه بگویم» پروانه گفت: «مراقب باش کاری نکنی که قورباغه دلش بشکند و ناراحت بشود» جیر جیر ک گفت: «خیالت راحت باشد! اما تو هم باید به من کمک کنی» پروانه پرسید: «چه طوری؟» و جیر جیر ک نقشه اش را به پروانه گفت. کمی بعد جیر جیر ک پر زد و رفت روی برگ نیلوفر، نزدیک قورباغه نشست و شروع کرد به جیر جیر آواز خواندن. قورباغه وقتی صدای جیر جیر ک را شنید ساکت شد و به او نگاه کرد. همین موقع پروانه آمد و به جیر جیر ک گفت: «جیر جیر ک جان! چرایی موقع آواز می خوانی و با سروصدا دیگران را ناراحت می کنی؟» جیر جیر ک پرسید: «پس کی آواز بخوانم؟» پروانه جواب داد: «هر کاری وقتی دارد. وقت خواب باید ساکت بود. نگاه کن همه خوابیده اند و تو





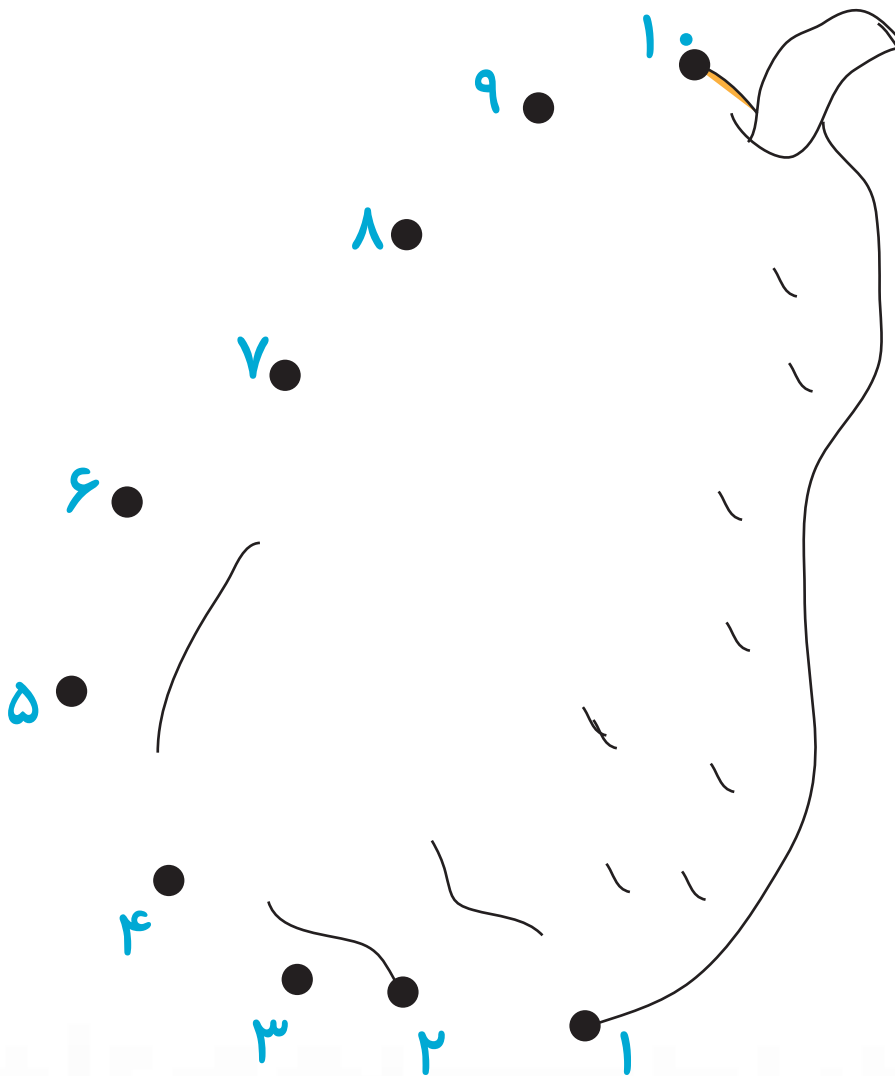
آواز می‌خوانی، جیر جیر ک گفت: «راست می‌گویی. قول می‌دهم بی‌موقع
آواز نخوانم، پروانه خندید و گفت: «آفرین
جیر جیر ک عاقل!»

جیر جیر ک پر زد و رفت. پروانه هم
پر زد و رفت. قورباغه با خودش
گفت: «چه خوب که من بی‌موقع
آواز نمی‌خوانم! حالا که وقت خواب
است، من هم می‌خوابم!»
قورباغه چشم‌هایش را بست و آرام
خوابید.





دایره‌های سیاه ۱ تا ۱۰ را به هم وصل کن تا شکل کامل شود. آن را رنگ کن.



فرشته‌ها



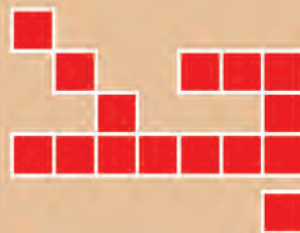
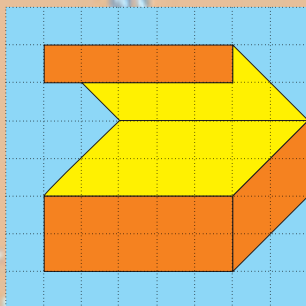
من می‌خواستم به حسین، یکی از آیه‌های قرآن را یاد بدهم. خودم تازه آن را یاد گرفته بودم. اما حسین اصلاً نمی‌توانست مثل من آیه را بخواند. آن را غلط می‌خواند و به حرف من گوش نمی‌کرد. مادرم گفت: «حسین خیلی کوچک است. تو نباید از او ناراحت شوی. صبر کن کمی بزرگ‌تر شود، آن وقت مثل تو یاد می‌گیرد که آیه‌های قرآن را درست بخواند.» گفتم: «می‌خواهم به او دعا کردن را یاد بدهم.» مادرم گفت: «به او یاد بده، برای همه‌ی چیزهایی که دارد، خدا را شکر کند.» به حسین گفتم: «خدا را شکر که دایی عباس پدر تو است.» او مرا نگاه کرد و خندید. بعد دست‌هایش را مثل من بالا گرفت. گفتم: «خدا را شکر که تو یک توپ بزرگ داری.» حسن گفت: «توپ.» گفتم: «خدا را شکر که مادرم عمه‌ی تو است.» حسین گفت: «عمه» مادرم مرا پوسید و گفت: «خدا را شکر که تو این همه خوب و مهربان هستی!



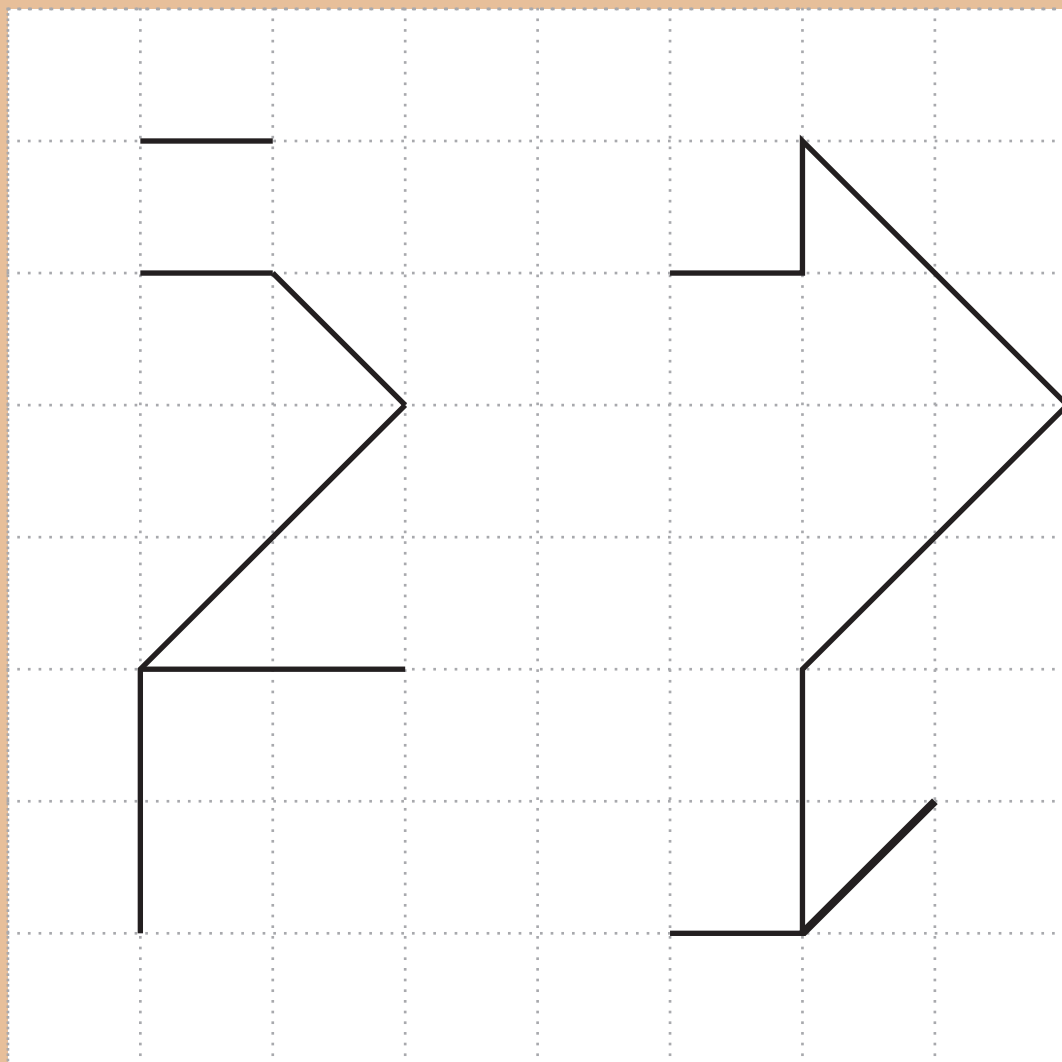
ناصر کشاورزی

گنجشک

گنجشک جان، با تو
کاری ندارم من
من دوستت هستم
از من ترس اصلاً
از روی آن دیوار
لطفاً بیا پایین
یک خرده هم این جا
پهلوی من بنشین
من دوست دارم که
نازت کنم با دست
خیلی قشنگی تو
بال و پرت ناز است
ای کاش می‌شد که
همبایات باشم
من که برای تو
هی دانه می‌پاشم
فرقی ندارد که
گنجشک با آدم
پس دوست شو با من
چون دوستت هستم



جدول را کامل و رنگ کن.





تمرین های ورزشی آغاز می شوند:

اُه چه سخته... می شه استراحت کنیم؟



نه! بدو!

هم شو، هم تَر!

اووی کی
کمر ۳۰۰۰!



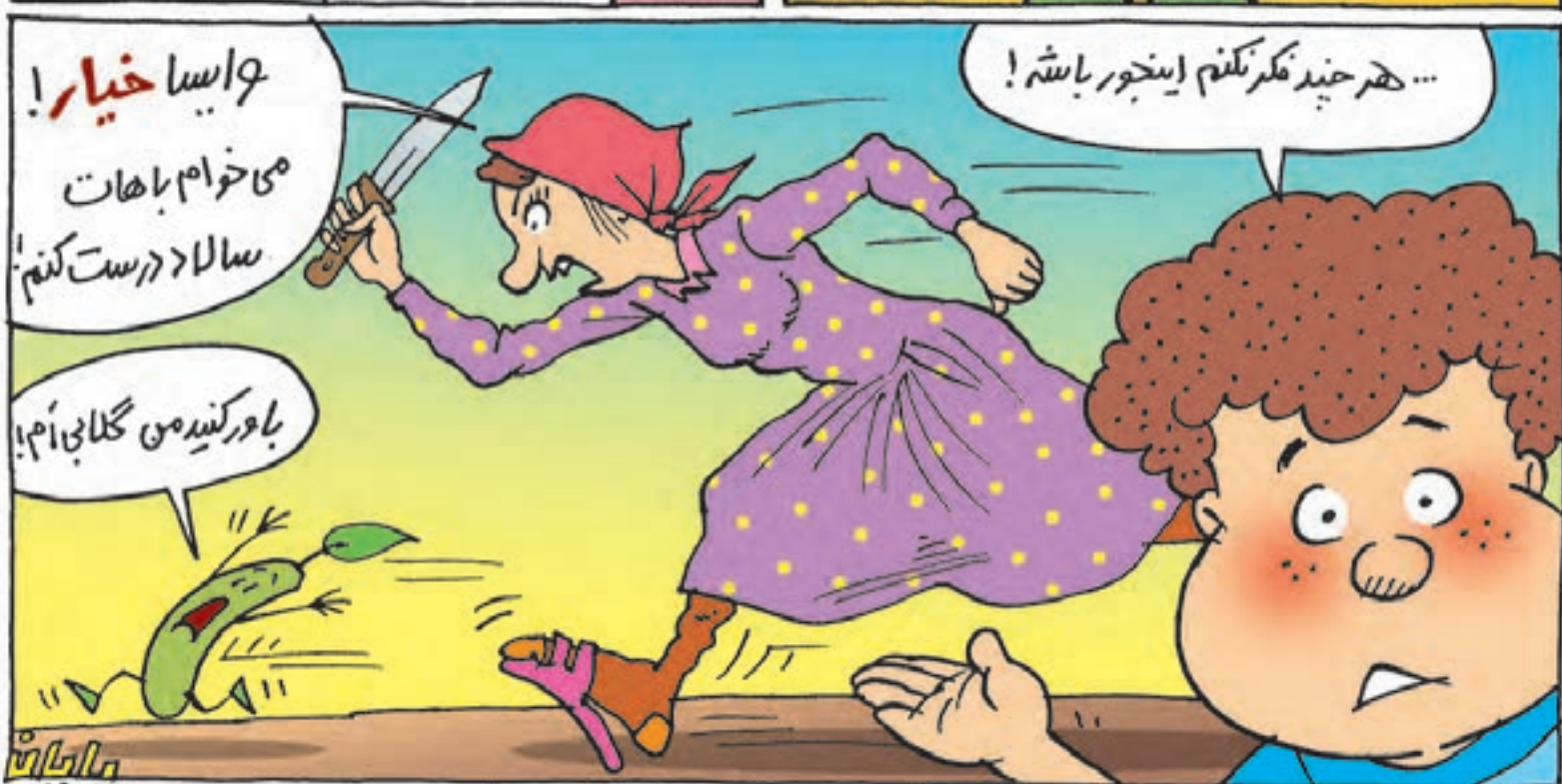
<دویست و پانزده>
<دویست و شانزده>
<دویست و هفده>



هزار و سه
هزار و چهار
هزار و پنج...



یوف! یوف!



کاشی



وقتی خیابان از آن همه ماشین نفسش گرفته بود،
درخت‌ها در خواب زمستانی بودند. آسمان از دود،
خاکستری شد و کلاغ‌ها آن قدر سرفه کردند،
آن قدر سرفه کردند که یک روز، همه با هم رفتند و شهر بی کلاغ
شد.

ای کاش وقتی درخت‌ها بیدار می‌شوند، آسمان آبی باشد.
خیابان خالی باشد و لانه‌ها پر از جوجه کلاغ‌های بازیگوش ...
کاش ...





کرم



حلزون



قورباغه



زنبور



سوسک

بیم‌شکی قا با

یکی بود، یکی نبود. غیر از خدا هیچ کس نبود.

یک روز  و  و  و  و ، تصمیم گرفتند با هم قایم‌باشک

بازی کنند. نوبت به  افتاد که چشم‌هایش را ببندد تا بقیه پنهان شوند. 

چشم‌هایش را بست.  به طرف رودخانه رفت و پرید توی آب.  با عجله

رفت پشت یک بوته‌ی بزرگ پنهان شد.  خاکی خزید و خاک را سوراخ

کرد و رفت زیر خاک.  نمی‌دانست کجا برود. او خیلی آهسته راه می‌رفت. پس

تصمیم گرفت توی صدفش پنهان شود.  چشم‌هایش را باز کرد و به دور و بر

نگاه کرد. بعد فریاد زد: « تو را پیدا کردم! از رودخانه بیا بیرون.» بعد فریاد زد: «

خاکی، تو را هم پیدا کردم. از زیر خاک بیا بیرون!» با دقت به دور و

بر نگاه کرد و گفت: « پشت بوته پنهان شده! او را هم پیدا کردم.» اما  هرچه

گشت نتوانست  را پیدا کند.

خاکی و  و  و  شروع کردن به صدا کردن . اما

از  خبری نبود. بالاخره  گفت: « جان! تو کجایی؟ بیا بیرون. تو برنده

شدی!»  سرش را از صدف بیرون آورد. همه با تعجب او را نگاه کردند. 

گفت: «من ردپای  را دیدم که به طرف رودخانه رفته بود. رد  را هم

دیدم که روی زمین خزیده بود و خاک را سوراخ کرده بود. رد پای  را هم تا پشت

علف‌ها دیدم. اما  جایی پنهان شده بود که هیچ ردی از او دیده نمی‌شد! همه از

این کار  به خنده افتادند، حتی خودش چون حالا برنده شده بود.

قصه‌ی حیوانات



روباه خواب خواب بود.



وقتی پرنده، برای پیدا کردن غذا، به
چمنزار رفت ...



روباه از خواب بیدار شد.



اما همین که پرنده، یک کرم پیدا کرد ...



روباه آهسته به او نزدیک شد.



پرنده پر زرد و روی نرده‌های چوبی نشست.



اما پرنده، پرواز کرد و رفت به
لانه پیش جوجه‌های گرسنه‌اش!

بازی



به شکل‌ها با دقت نگاه کن.

به سوال‌ها جواب بده و در خانه‌ها علامت بزن.



چند حیوان می‌بینی؟

چند تا از آن‌ها می‌پرند؟

چند گل می‌بینی؟

چند تا از آن‌ها زرد است؟

چند تا از آن‌ها سفید است؟



اگر می‌خواهید خواهر یا برادر بزرگترتان به مجله‌های شما دست نزنند
اشتراک دوست نوجوانان را برایش بگیرید



نام
نام خانوادگی
تاریخ تولد
تحصیلات
نشانی
کد پستی
تلفن
شروع اشتراک از شماره
تا شماره
امضاء

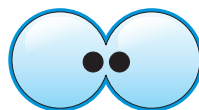
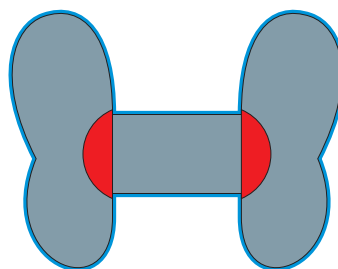
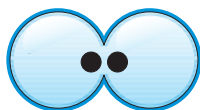
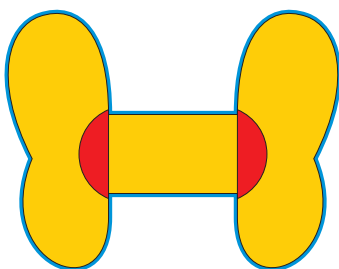
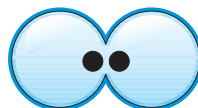
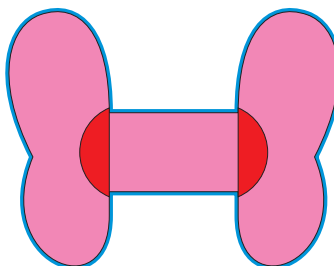
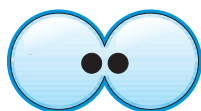
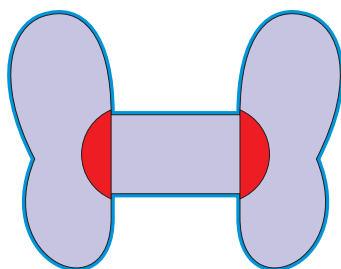
قابل توجه متقاضیان خارج از کشور
بهای یک شماره هفتگی دوست
خاور میانه (کشورهای همجوار) ۱۰۰۰۰ ریال
اروپا، آفریقا، ژاپن ۱۰۰۰۰ ریال
آمریکا، کانادا، استرالیا ۱۲۵۰۰ ریال
بستگان هر یک از افراد ساکن در خارج از کشور
که در ایران سکونت دارند، می‌توانند مبلغ فوق را به
حساب اعلام شده واریز و سپس نشانی فرد خارج از
کشور را به امور مشترکان مجله دوست ارسال کنند.

بهای اشتراک تا پایان سال ۱۳۸۷ - هر ماه ۴
شماره - هر شماره ۳۰۰۰ ریال
مبلغ اشتراک را به حساب شماره ۵۲۵۲ بانک
صادرات میدان انقلاب کد ۷۶
به نام موسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره) واریز کنید
(قابل پرداخت در کلیه شعب بانک صادرات در
سراسر کشور)
فرم اشتراک را همراه با رسید بانکی به نشانی
تهران، خیابان انقلاب، چهارراه حافظ، پلاک ۹۶۳
امور مشترکان مجله دوست ارسال فرمایید.

مشترکین محترم استان اصفهان می‌توانند مبلغ اشتراک خود را به شماره حساب ۰۱۰۱۱۸۷۵۰۱۰۰۴ قابل
پرداخت در کلیه شعب بانک ملی در ایران واریز کنند.
آدرس: اصفهان - خیابان شیخ بهایی - مقابل بیمارستان مهرگان - نمایندگی چاپ و نشر عروج -
تلفن: ۰۳۱۱۲۳۶۴۵۷۷
واحد اشتراک مجله دوست نوجوانان



شکل‌های زیر را از روی خط آبی قیچی کن.
به قسمت‌های قرمز چسب مایع بزن و چشم‌ها را روی آن بچسبان.
اگر آن را در انگشتت کنی، یک فیل با خرطوم بلند خواهی داشت.



خردسالان

دوست

بهای اشتراک تا پایان سال ۱۳۸۷

هر ماه چهار شماره، هر شماره ۴۰۰۰ ریال

مبلغ اشتراک را به حساب جاری شماره‌ی ۵۲۵۲ بانک صادرات شعبه‌ی انقلاب کد ۷۶

به نام مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره) واریز کنید.

(قابل پرداخت در کلیه‌ی شعب بانک صادرات در سراسر کشور)

فرم اشتراک را همراه با رسید بانکی به نشانی: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، چهارراه کالج،

فروشگاه مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره) شماره ۹۶۲ امور مشترکان مجله دوست خردسالان ارسال فرمایید.

نظرات و پیشنهادات خود را در ارتباط با اشتراک و نحوه‌ی ارسال مجلات با شماره تلفن ۰۲۱۶۶۷۰۶۸۳۳ درمیان بگذارید.

فرم اشتراک



نام :

نام خانوادگی :

تاریخ تولد : ۱۳ / / تحصیلات :

نشانی :

کد پستی :

تلفن :

شروع اشتراک از شماره : تا شماره :

امضاء



نشانی فرستنده:



جای تمپر

نشانی گیرنده:

تهران - خیابان انقلاب اسلامی، چهار راه کالج، فروشگاه مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره)
شماره ۹۶۲ امور مشترکان مجله هفتگی دوست خردسالان



ترانه های هیچا هیچ

چین چون چاق، چنانه

چیل و چپول چپانه

تق تق می رفتن

بادست و پا به خانه

خانه کجاست؟ تو کوچه

تو کوچه ی کلوچه

آلوچه ترشه کوچه

آلوچه نگو، کلوچه

آلوچه سوار باده

بادی که بی سواده

مصطفی رحماندوست



